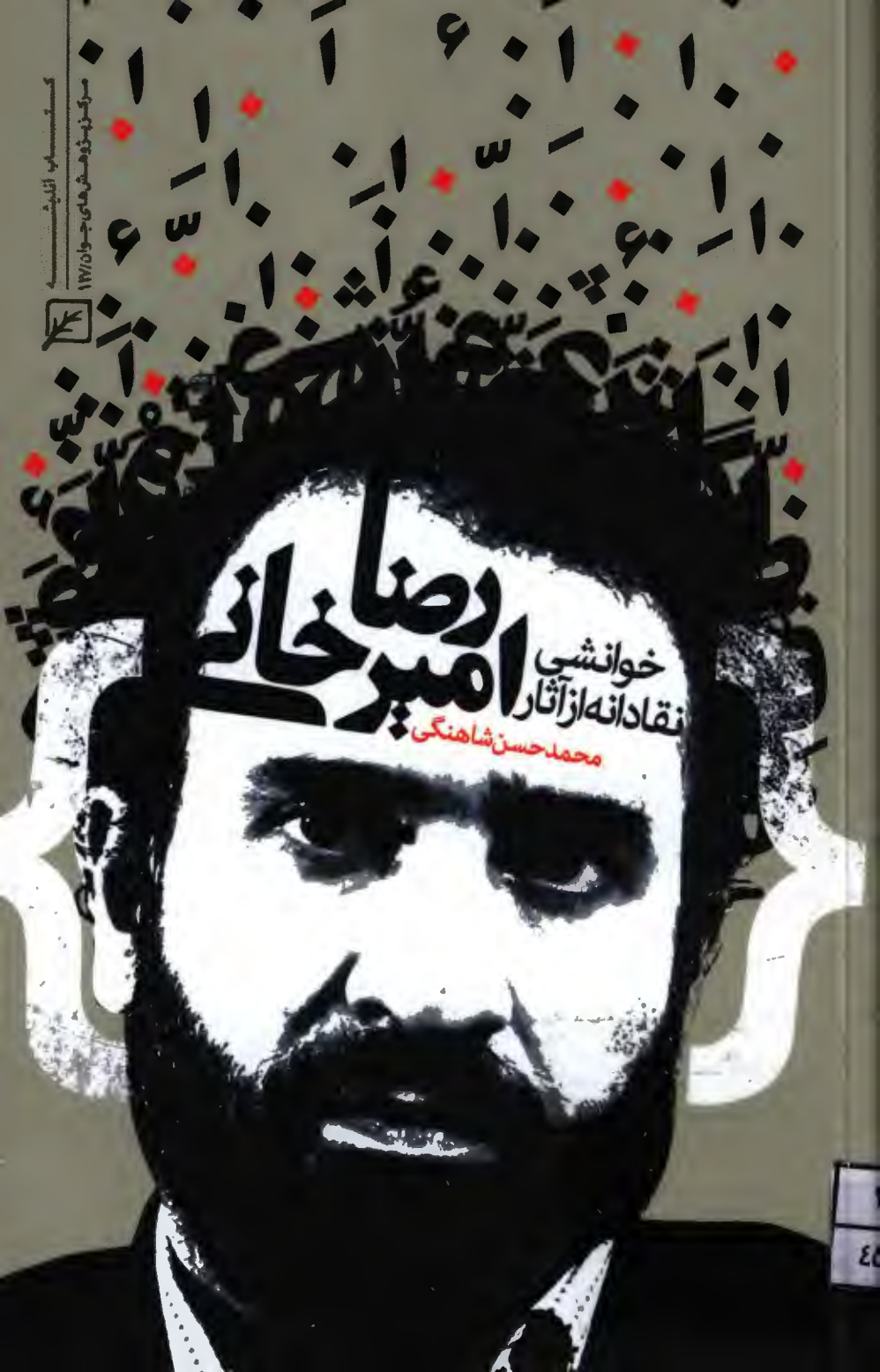
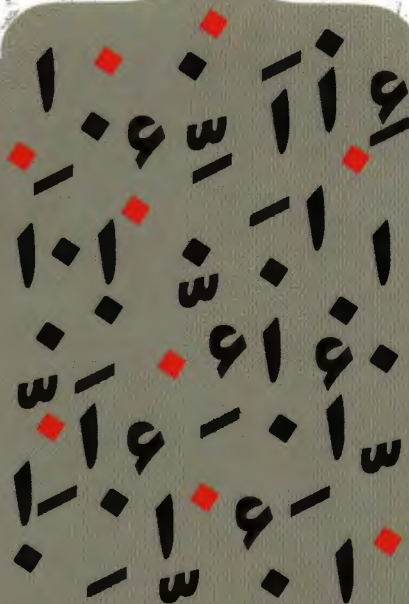




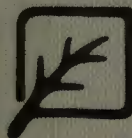
رضا خان

خوانشی
نقدادانه از آثار
محمد حسن شاهنگی



... تجربه جزئی از اتفاق کار نویسند است و رضا امیرخانی
نیز از این قافله جدا نیست؛ در سه دسته از نوشته‌های او
یعنی مشاهدات، زمان‌ها و یادداشت‌های تحلیلی،
بوی تجربه احساس می‌شود. امیرخانی گاهی اوقات
تجربه‌نگاری می‌کند؛ بلکه پای دغدغه‌های شخصی‌اش را
به آلباش باز می‌کند. در واقع این نویسنده در تحلیل‌هایش
از تجربه‌هایش حرف می‌زند و در تجربه‌هایش می‌خواهد
تحلیل‌هایش را تفسیر کند.

کانون تدبیر بهار



قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

١٥-

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

نقادانہ از آثار خوانشی امیر خان محمد حسن شاہنگی



کتاب اندیشه

خوانشی نقادانه از آثار

رضا امیرخانی

محمدحسن شاهنگی

ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان

طراح جلد: آرزو آقاباباییان

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: هنگام



کانون اندیشه جوان

سرشناسه: شاهنگی، محمدحسن، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور: خوانشی نقادانه از آثار رضا امیرخانی / محمدحسن شاهنگی.

مشخصات نشر: تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۷۱.

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال شابک: ۳-۲۲۶-۱۵۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۶۷-۱۶۸، همچنین به صورت زیرنویس. یادداشت: نمایه

موضوع: امیرخانی، رضا، ۱۳۵۲- نقد و تفسیر. موضوع: داستان‌های فارسی- قرن ۱۴- تاریخ و نقد.

موضوع: داستان‌نویسان ایرانی- قرن ۱۴- نقد و تفسیر.

شناسه افزوده: کانون اندیشه جوان.

ردیاب‌بندی کنگره: ۸۲۳/۶۲ ۱۳۹۴ ۸۵۱۳۴۵/م۷۹۵۳ PIR

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۲۷۵۵

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۴۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۷
درآمد.....	۱۱
مقدمه (به قلم دکتر محمدرضا سنگری).....	۱۳
تأملی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی (به قلم احمد شاکری)....	۱۷
پیش‌نشت: چرا رضا امیرخانی؟.....	۳۱
نشت اول: شخصیت‌شناسی رضا امیرخانی.....	۴۵
نشت دوم: ویژگی‌های نثر رضا امیرخانی.....	۷۷
نشت سوم: سنت و مدرنیته در آثار رضا امیرخانی.....	۹۹
نشت چهارم: تجربه‌نگاری در آثار رضا امیرخانی.....	۱۱۹
ضمائم.....	۱۴۹
تصاویر برگزیده.....	۱۶۱
کتابنامه.....	۱۶۷
نمایه اعلام.....	۱۶۹

پیشگفتار

امروزه رضا امیرخانی سهم ارزشمند و درخور توجهی از ادبیات ایران را به خود اختصاص داده و آثارش از هر حیث شایسته توجه، نقد، تحلیل و بررسی است. آثار متنوع امیرخانی علاوه بر پیوندی که با عرصه ادب و ادبیات داستانی دارد، اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز ایران را نشان می‌دهد و شناخت آنها می‌تواند زمینه مناسبی را برای دستیابی به حوزه اندیشه و عمل این نویسنده توانا و آینده‌دار فراهم کند. آثار امیرخانی فراتر از حوزه ادبیات‌اند و هریک حاوی پیام‌های اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی‌اند که خوانندگان را ضمن متن‌خوانی با مضامین فکری و معرفتی آشنا می‌کند. در این کتاب، شاهد تلاشی متفاوت برای دستیابی به گونه‌ای از روش‌شناسی گفتمان‌محور برای مطالعات ادبی و شناخت ویژگی‌های آثار این نویسنده خواهید بود.

اثر حاضر نتیجه تلاش گروه ادب و هنر مرکز پژوهش‌های جوان است. این مجموعه، شاخه‌ای از شاخسار پر بر و بار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی^۱ است که با گروه‌های علمی «بینش و اندیشه»، «مطالعات فرهنگی و اجتماعی»، «نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی»، «اخلاق، تربیت و روان‌شناسی» و «سنت‌های حوزوی و آداب طلبگی» به افق‌های پیش‌رو و گام‌های پیش‌رو در عرصه فرهنگ جامعه اندیشیده و آثار مفیدی به ثمر نشانده است. رشد و شکوفاکردن و گرایش‌های دینی، معرفی الگوهای مطلوب رفتار دینی و پاسخ به نیازها و خواسته‌های جوانان در زمینه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی، از برجسته‌ترین اهداف فراوی این مرکز است تا با رصد اوضاع روز جامعه، به موضوع‌های ضروری پرداخته، پژوهش‌هایی مفید بیافریند.

مرکز پژوهش‌های جوان در چهار سطح جوان، دانشجو، اندیشه و طلبه به تولید آثاری در قالب‌های گوناگون مشغول است:

۱. مخاطبان «کتاب جوان» تحصیل‌کردگان دوره متوسطه‌اند و عموماً ۱۷ تا ۲۴ سال دارند.

۲. مخاطبان «کتاب دانشجو» دانش‌پژوهان مقطع کاردانی و کارشناسی و

۱. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با توجه به بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظام‌های اجتماعی مبتنی بر آن و پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، به‌عنوان نهادی علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد. این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

حدوداً ۱۸ تا ۲۶ ساله‌اند.

۳. مخاطبان «کتاب اندیشه» جوانانی هستند که مقطع کارشناسی را سپری کرده، حدوداً ۲۸ ساله‌اند.

۴. مخاطبان «کتاب طلبه» جوانانی هستند که سال‌های نخست و سطوح میانی علوم حوزوی را می‌گذرانند.

گفتنی است، کتاب پیش‌رو از آثار سطح اندیشه این مرکز است. این مرکز با قدردانی از کوشش آقای محمدحسن شاهنگی در به‌ثمرنشتن این اثر، تلاش مجدانه مدیرگروه ادب و هنر، آقای محمد قاسمی‌پور، همکاری ارزیابان گرامی، آقایان دکتر حسین باقری و علی کاشفی‌پور، را ارج نهاده، صمیمانه در انتظار نقدها و پیشنهادهای خوانندگان تیزبین نشسته است.

مرکز پژوهش‌های جوان

درآمد

بی‌شک، رضا امیرخانی جزئی از هویت ادبی انقلاب اسلامی است. سوزن پرگار این نویسنده پرکار، مرکزیتی به نام اندیشه و دغدغه دارد؛ اندیشه‌ای دغدغه‌مند و دغدغه‌ای اندیشه‌ورز. او باری به‌هرجهت سیاه‌کاری نمی‌کند. آنجا که احساس می‌کند باید عزیمت کند، راهی کابلستان می‌شود، هم‌سفر ارمیا، ته غرب را درمی‌آورد، هم‌قدم «رهبر» می‌شود و آن‌گاه که دیده‌هایش را ارزشمند یافت، قلم به دست می‌گیرد و دعوت می‌کند با او و تجربه‌های خواندنی‌اش همراه شویم. او از اخلاق می‌گوید، موعظه می‌کند، دین را مقدس می‌شمارد، انسانیت را می‌ستاید و همه اینها را نه در متنی علمی و تخصصی که در میان سطور رمان‌ها، سفرنامه‌ها و مقالاتش، آرام و دلنشین پیشکش خواننده‌اش می‌کند.

در کنار نقد نویسندگان دگراندیش و آنهایی که با گفتمان انقلاب زاویه دارند، یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها با رویکرد ایجابی، ارائه نمونه مناسب به مخاطب است تا با برجسته‌سازی نمونه موفق و تشریح لایه‌های فکری و پستوانه‌های اندیشگانی نویسنده، دلایل توفیق و تأیید او آشکار شود و هم‌پیشگانش از او

الگوبرداری کنند. هدف این مجموعه نیز، در قالب میزگرد، گام برداشتن در این مسیر دشوار و دراز است.

پس از بررسی ویژگی‌های شخصیتی و سبک عمومی نثر امیرخانی، از میان همه آنچه درباره رضا و قلمش گفته یا نوشته‌اند، بررسی دو مؤلفه، بیش از همه، در میان تک‌تک واژگان و آثار وی، ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه تجربه‌نگاری در آثار او چه جایگاه و رنگ‌وبویی دارد و دوم اینکه امیرخانی به مقوله سنت و مدرنیته با چه عینکی می‌نگرد و اساساً رابطه میان این دو را از چه جنسی می‌داند.

مجموعه حاضر، نتیجه یک پیش‌نشست و چهار نشست تخصصی صاحب‌نظران ادبیات اندیشه در گروه ادب و هنر مرکز پژوهش‌های جوان است. این مجموعه با حضور استادان و نخبگانی همچون احمد شاکری، مرحوم حسین عمید، مجید پورولی کلشتری، محمد قاسمی‌پور، حامد صلاحی، مهدی بوستانی، علیرضا سمیعی، علیرضا فتاح، محمدرضا صادقی، حامد تقی‌زاده، مرتضی کارد، سیاوش ایمانی، میثم امیری، محمدقائم خانی، محمد گل‌رونی، فردین آرش، رسول پیره و مرضیه آتشی‌پور برگزار شده است.

برای تکمیل یا اصلاح این اثر، مشتاق دریافت پیشنهادهای شما هستم.

قدم نظرهایتان بر چشم!

محمدحسن شاهنگی

مقدمه

دکتر محمدرضا سنگری

عصر انقلاب اسلامی، عصر شکوفایی و باروری ادبیات و ظهور و حضور نسلی است که یکی از فصول درخشان تاریخ ادبیات ایران را رقم زده است. ادبیات امروز، نه تنها فراتر از دیروز، بلکه فاتح قله‌های نامکشوف است و شاهد ساخت‌های نوپدید که در گذشته ادبی این سرزمین پیشینه ندارد. این ادبیات بارور، مدیون فضای تنفسی تازه‌ای است که انقلاب اسلامی، فراوری این نسل گشوده است. واکاوی، بازشناسی و تبیین و تحلیل ابعاد و اضلاع این ادبیات، بدون شناخت شخصیت‌ها و اثرآفرینان شاخص و صدالبته بدون کاویدن زمینه‌های این زمانه، ممکن نیست و این اثر، تکاپویی در همین مسیر است.

امیرخانی یکی از استعدادهای شگرف حوزه قصه‌نویسی دوران ماست که آثارش جای تأمل بیشتری دارد. او تلاش می‌کند با زبانی هنرمندانه و رندانه، نکات عبرت‌آموز روزگار را پیشکش خوانندگان آثارش کند و به جای تک‌گویی، به گفت‌وگو با مخاطبش بپردازد و با او رفاقت بهتر و بیشتری داشته باشد؛ به همین دلیل است که تأثیر کلامش، درخور توجه می‌شود و خواننده رمان‌هایش،

کمتر کتاب از دستش می‌افتد. سوزده‌های آثار امیرخانی - مخصوصاً رمان‌هایش - تکراری و کلیشه‌ای نیستند و جذابیت فضاهایی که نویسنده خلق کرده، به اندازه‌ای است که خواننده را بیشتر وقت‌ها به سفرهایی روحانی و معنوی می‌برد و از این‌رو بعد از خواندن کتاب، به او تجربه‌ای ارزشمند اعطا می‌کند.

امیرخانی نویسنده‌ای آفاقی - انفسی است؛ هم سفر در بیرون را بسیار تجربه کرده است و هم سیر و سلوک در درون را و آمیختگی این دو تجربه، از او شخصیتی دقیق، عمیق و همه‌سونگر ساخته است. همین است که وقتی می‌گویی امیرخانی، می‌توان پرسید کدام امیرخانی؟ امیرخانی داستان‌نویس؟ امیرخانی سفرنامه‌نویس؟ امیرخانی روشنفکر؟ امیرخانی سالک؟ و...

وجه مشترک آثار امیرخانی، جست‌وجوگری در حوزه «هویت» است. من او، جست‌وجو برای یافتن هویتی است که باید باشد؛ ارمیا، ترسیم هویت کسب‌شده در دفاع مقدس است - که باید حفظ شود - از به، بازگشت به هویتی است که قهرمان در نیروی هوایی داشته است (هویت پرواز)؛ نشت نشا، قصه فرار مغزها و گریز از هویت و گم‌شدن هویت در دانشگاه‌هاست و جانستان کابلستان، طرح هویت مطلوبی به نام جوانمردان زمین است؛ صنعتی که امیرخانی به مردم افغانستان می‌دهد.

امیرخانی جسور است؛ به قلمروهایی سرک می‌کشد که دیگران سر ورود به آنها را ندارند. قدم‌زدن در کوچه‌های بی‌عبور یا کم‌عبور جرئت مسیحایی می‌خواهد و شکافتن نیل موج‌خیز مسائل امروز، عصای موسایی. این جرئت و

شهامت در قلم امیرخانی هست؛ حتی در *داستان سیستان* به مشاهده آنچه در صفحه هست و چشم‌ها می‌بینند، اکتفا نمی‌کند و آن‌سوتر را می‌کاود و می‌نمایاند. خلاقیت در تار و پود و آوندهای آثار امیرخانی جاری و ساری است. رسم‌الخط ویژه، نگارش ویژه، نگاه ویژه و ساختارسازی ویژه، خصلت آثار اوست.

دامنه نوآوری‌های امیرخانی به موضوعاتی که در حاشیه زندگی همه ما هست و ساده از کنارشان می‌گذریم، نیز می‌رسد؛ اما او درنگ می‌کند، می‌یابد و با صراحتی عجیب و بی‌پرده و حتی گاه رسواگرانه، آن را عریان می‌کند! همین است که گاهی برای او مشکل‌ساز می‌شود.

رضا امیرخانی فرزند انقلاب و وفادار به گفتمان انقلاب اسلامی است و با فرصتی که دارد، فردها، حرف‌های بیشتری درباره او خواهیم شنید.

امیرخانی یکی از فعالان و فردی شاخص و جوان در ادبیات انقلاب اسلامی است. در کتاب پیش‌رو، تلاش بر آن بوده است تا نقبی به اندوخته‌ها، آموخته‌ها، تجربه‌های زیستی و آثار این نویسنده تأثیرگذار زده شود و از دیدگاه‌ها و دریچه‌های گوناگون، ابعاد کتاب‌های وی تماشا و داوری شود. حقیقت این است که با وجود گفته‌ها و نکته‌یابی‌های بسیار در آثار امیرخانی، هنوز ناگفته‌ها و نیافت‌ها فراوان است و اگر جلسات مستقل برای بررسی هریک از آثار او تشکیل شود، افق‌های تازه‌تری را نمایان خواهد کرد.

در پایان، از مرکز پژوهش‌های جوان سپاسگزاریم که به این مهم پرداخته، زمینه بحث، بررسی و نقد ابعاد و اضلاع آثار امیرخانی و اندیشه و شخصیت

او را فراهم آورده است. امید است این گام، تداوم یابد و دیگر نویسندگان و اثرآفرینان را «مشمول عنایت!» خویش قرار دهد تا در آینده، مجموعه‌ای ارجمند را درباب نویسندگان انقلاب اسلامی شاهد و ناظر باشیم.

محمد رضا سنگری

تأملی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی

(به قلم احمد شاکری)

در طول عمر ادبیات داستانی انقلاب، از میان دوازده رکن ادبیات داستانی انقلاب اسلامی،^۱ بیشتر به دو رکن توجه ویژه شده است: نویسندگان و داستان. چنین انتخابی از میان ارکان متعدد حوزه ادبیات داستانی، فقط در محدوده ذهن باقی نمانده است؛ بلکه بیشتر برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌سنجی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را به این سمت و سو سوق داده است. کافی است به جشنواره‌های این حوزه دقت یا نحوه حمایت‌ها را از این دو حوزه بررسی کنیم تا درستی این سخن آشکار شود. نتیجه این توجه بی‌تقارن در حوزه ادبیات داستانی موجب شده است مولود پدیدآمده، چون کودکی بنماید که سری بزرگ و قلبی ضعیف و چشمانی زیبا و دست‌هایی افلیج دارد. چنین کودکی با وجود برخی برجستگی‌ها، بیمار تلقی می‌شود. قطعاً چنین واقعیتی برای ادبیات داستانی، مطلوب نیست. این کودک زمانی می‌تواند روی پای خود بایستد، به سرعت گام بردارد و پله‌های ترقی را طی کند که چنین نقصانی نداشته باشد.

۱. اصول موضوعه، آموزش، نظریه‌پردازی، پژوهش، آفرینش، نقد ادبی، نشر، ترجمه، مدیریت و اجرا، جذب و ساماندهی، حمایت و تبلیغ و اقتباس.

به نظر می‌رسد از میان دو رکنی که بیش از دیگر رکن‌ها به آن توجه شده است، نویسنده جایگاهی والاتر از داستان داشته باشد. گرچه نویسنده بدون داستان، تصورشدنی نیست؛ اما نوع استقبال مخاطبان داستان از آثار نویسندگان مشهور- اعم از عامیانه‌نویس، روشنفکر و معتقد به مبانی انقلاب- گویای آن است که رکن نویسنده در پس‌زمینه ذهنی مخاطبان عام و حتی خاص داستان، می‌تواند اثر داستانی را نیز به حاشیه برد و نویسنده‌محوری، استیلای خود را بر آفریده هنری نیز ثابت کند.

باید ریشه‌های این تلقی از ادبیات را در تاریخچه ادبیات داستانی و ادبیات داستانی پس از انقلاب جست. ادبیات داستانی پس از انقلاب، نوعی انقلاب حقیقی در حوزه روایت تلقی می‌شد. در سطح نویسندگان، روشی چشمگیر به وجود آمد. پس از دوره دفاع مقدس، برخی از جوانان بانگیزه و باذوق که از دل انقلاب و کوران حوادث دفاع مقدس به نویسندگی روی آورده بودند با نمونه آثاری که نشان می‌داد بیش از دغدغه نویسندگی، تحت تأثیر واقعیت عظیم دفاع مقدس قرار داشتند، پای به میدان نهادند. دوره‌ای که این جوانان در آن رشد کرده بودند، دوره‌ای بود که نویسندگان نسل گذشته با انقلاب اسلامی قهر و آن را بایکوت کرده بودند. این قهر بر خلاف آنچه این گروه گمان می‌کردند، در مقطعی حساس به کمک ادبیات انقلاب آمد. چنان‌که تاریخ انقلاب نشان داده است، تحریم فکری و اقتصادی همواره موجب رویش‌های درخشانی در حوزه‌های مختلف انقلاب اسلامی شده که ادبیات داستانی نیز از آن بی‌بهره نبوده است. در

این مقطع حساس که می‌توان آن را تا پایان دفاع مقدس شناسایی کرد، نویسندگان شبه‌روشنفکر ابعاد متنوعی از تحریم دفاع مقدس را به نمایش گذاشتند: از تحریم در حوزه نقد ادبی گرفته تا تحریم در حوزه نظریه‌پردازی و آفرینش داستان و حتی آموزش؛ نه تنها تحریم، بلکه در نقطه مقابل، تهاجمی آشکار در برابر آثار داستانی ارزشی دفاع مقدس شکل گرفت. تلاش این تهاجم در درجه نخست، بایکوت این آثار و در درجه دوم بی‌اهمیت‌خواندن آنها بود. طیف شبه‌روشنفکر که نمی‌توانست حقیقتی با عنوان ادبیات دفاع مقدس را نادیده بینگارد، تلاش کرد آن را تحریف کرده، برای ادبیات داستانی سیاه دفاع مقدس تئوری‌پردازی کند و درنهایت با تثبیت جریان دفاع مقدس، تلاش کرد در حوزه‌های آموزش و پژوهش، به جریان انحرافی و غیراصیل ادبیات سیاه دفاع مقدس هویت دهد. نگاه نویسنده‌محور در این دوران - دست‌کم تا پایان دفاع مقدس و ظهور آثار برجسته در این حوزه - ناگزیر می‌نمود؛ زیرا برای ادبیاتی که نمونه و مصداقی ندارد نمی‌توان نظریه‌پردازی کرد. از سوی دیگر فکر، اندیشه و مبانی مناسب برای نقد ادبی، سامان نیافته بود، منتقدان معدود ادبیات داستانی انقلاب نیز در این دوره تلاش می‌کردند با نقد آثار شبه‌روشنفکری قبل از انقلاب، از سرایت کردن مبانی آنها به ادبیات داستانی انقلاب جلوگیری و وجوه افتراق اندیشه انقلاب را با این پندار شبه‌روشنفکرانه مشخص کنند که این موضوع زمینه را برای نویسنده‌محوری فراهم آورد. از سوی دیگر، برخی نهادها و مجموعه‌های برنامه‌ریز در این زمینه همت خود را صرف معرفی و تبلیغ نویسندگان نسل انقلاب کردند تا بدین

شکل، هویتی برای ادبیات داستانی انقلاب فراهم کنند. این دوره را می‌توان دوره «نام‌ها» نامید. تلاش‌های صورت گرفته از سوی برخی مجموعه‌های انقلابی برای جلب طیف نویسندگان پیش از انقلاب عموماً - جز موارد معدودی - ناکام ماند؛ زیرا این تلقی که نویسندگان متعلق به طیف لیبرال و چپ می‌توانند با دیکته کردن معارف انقلابی، رمان انقلاب و دفاع مقدس خلق کنند، از اساس بی‌پایه بود. تجربه نیز نشان داد این افراد که توانسته بودند با جلب نظر این مجموعه‌ها قراردادهای درخور توجهی منعقد کنند، عملاً اندیشه و باور قلبی‌شان را در آثار داستانی‌شان نمایش می‌دادند.

اما این رویه بنا به دلایلی به شکست انجامید. مهم‌ترین دلیل را باید در مبدأ چنین استراتژی‌ای جست؛ مبدایی که بر اساس آن، نقد آثار داستانی همسو، نوعی خودزنی تلقی می‌شد و حمایت همه‌جانبه و بی‌قید و شرط از طیفی از نویسندگان، آنها را درباره راهشان دچار توهم کرد. بر اساس تلقی مجموعه‌هایی که از این نویسندگان حمایت می‌کردند، نام این نویسندگان با نام ادبیات انقلاب گره خورده بود و نقد آثار این گروه به معنای نقد انقلاب تلقی می‌شد. این تحلیل، از سه رکن کلیدی ادبیات داستانی به نحو آشکاری غفلت کرد: نظریه پردازی، نقد و آموزش. با پایان یافتن دوران دفاع مقدس، عمق تحلیلی اندک برخی نویسندگان برخاسته از دفاع مقدس و شرایط اجتماعی، روی دیگری از سکه نویسندگی آنها را هویدا کرد. ادبیات سیاه دفاع مقدس که در بنیان‌های خود به شدت وابسته به ادبیات شبه‌روشنفکری بود، در ضمن برخی مضامین و موقعیت‌های داستانی

و هنجارشکنی‌های داستان‌نویسانه ظهور کرد و روشن شد تخمی که شبه‌روشنفکران در ذهن برخی از نویسندگان دفاع مقدس کاشته‌اند، اندک‌اندک در حال جوانه‌زدن است. اکنون، برای ادبیات داستانی دفاع مقدس چه کاری می‌بایست انجام می‌شد؟ نویسنده‌محوری که خود، ساخته و پرداخته برخی نهادهای ادبی بود، تبدیل به تیغ دودمی شده بود که نزدیک بود شاه‌رگ حیات ادبیات داستانی دفاع مقدس را قطع کند. نه می‌توانستند نویسنده‌های خودساخته را تخریب کنند و نه قادر بودند چنین آثاری را تحمل کنند. این مختصر، ترسیمی اجمالی از واقعیتی است که ادبیات داستانی پس از دوران دفاع مقدس کمابیش با آن درگیر بوده است؛ البته نباید فراموش کرد حوزه‌های سالم‌تری مانند خاطره‌نویسی و مستندنگاری همواره در مقاطعی بار ادبیات داستانی را به دوش کشیده‌اند و آبروی آن را خریده‌اند؛ ضمن آنکه همواره نویسندگان مستقل و متعهد و نهادهای هوشیار دیگری در این زمینه فعال بوده‌اند.

بنابراین ریشه آنچه رخ داده است و از آسیب‌های جدی حوزه ادبیات داستانی به شمار می‌آید، تلقی ناقص از هویت ادبیات داستانی و ارکان تأثیرگذار آن است. حقیقت این است که تاریخ ثابت کرده جز در اندکی از ابرار، این عمل انسان است که حال او را مشخص می‌کند. نویسندگی نیز از این قاعده مستثنا نیست. گره‌زدن ادبیات داستانی انقلاب اسلامی با چند نویسنده که آثار همگونی نوشته‌اند و تحلیل‌های ضدونقیضی ارائه داده‌اند، خطایی استراتژیک است.